

# موسیقی دانان ایرانی در دوره اسلام

## تأثیر ایران در موسیقی عرب

۱۷

دکتر مهدی فروغ  
رئیس اداره هنرهای دراماتیک

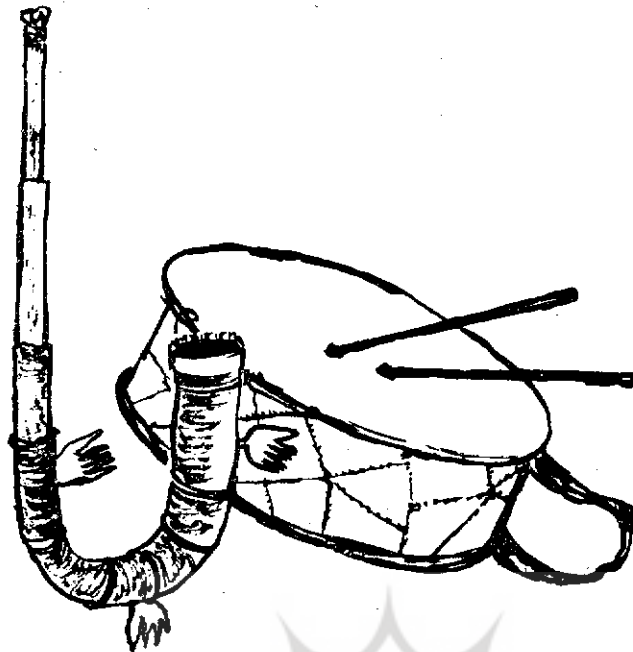
ابن سینا دربارهٔ اینکه هر مقام<sup>۱</sup> اختصاص بموقع معینی از شبانه روز دارد مینویسد که صبح کاذب مختص آواز «رهاوی» است و صبح صادق مختص آواز «حسین» . موقع برآمدن آفتاب برای آواز «راست» مناسب است و پیش از ظهر برای آواز «ابوسلیک» . موقع نصف النهار مختص آواز «زنگوله» است و ظهر مختص آواز «عشاق» . بین دو نماز آواز «حجاز» مناسب است و عصر آواز «عراق» . هنگام فرونشستن آفتاب (غروب) «اصفهان» و کمی بعد از آن (مغرب) آواز «نوا» و بعد از نماز عشاء آواز «بزرگ» و هنگام خفتن آواز «مخالف» یا «زیرافکند» باید نواخت .

راجع به نفوذ موسیقی ساسانی در موسیقی دوران اسلام شاید در صفحات پیش اشاره ای رفته باشد ولی در اینجا ذکر این نکته ضمن بیان آثار ابن سینا ضرورت دارد .  
در موسیقی دوره اسلام یک سلسله لحن های ضربی معمول بود که دستانات<sup>۲</sup> نامیده میشد و تصنیف و یا تألیف آنها را به بارید نسبت میدادند و فارابی و حتی دانشمند معروف عرب الکندی نیز دربارهٔ آنها توضیحاتی داده اند .

ابن سینا در کتاب شفاء بیست قطعه از این آوازهای ضربی را نام میبرد و از فحوای کلام او چنین برمی آید که دستانات در زمان حیات وی معمول بوده و نوازندگان آنها را مینواخته اند . متأسفانه این دستانات بندریج فراموش شده چنانکه در زمان صفی الدین عبدالؤمن فقط شش تا از آنها معمول بوده است . ابن سینا نقل میکند که حتی در اسپانیا این آهنگهای ضربی رواج داشته و به استناد این اقوال ، محقق موسیقی میتواند مسیر نفوذ موسیقی ایران را در شبه جزیره اسپانیا دنبال کند .

ابن سینا توجه و علاقه زیادی به علوم و معارف یونان و مخصوصاً به تحقیقات اقلیدس داشت و بعد از او تقریباً تا حدود دو قرن یعنی تا ظهور صفی الدین عبدالؤمن کسی که به اندازه وی درباره موسیقی اطلاع و تجربه داشته باشد قدم بعرضه ظهور نهد . نفوذ ابن سینا در علوم و حکمت در قرون وسطی تا جایی رسیده بود که اکثر علما و نویسندگان او را اسپانیائی مینداشتند همانطور که محمد زکریای رازی را اغلب رومی میشناختند .

ابن سینا کلیه اطلاعات و معلومات زمان خود را در کتاب شفاء جمع کرده است و فصل مفصلی از آن را تحت عنوان (فن\*) بموسیقی اختصاص داده که بهشش مبحث یا مقاله و هر مقاله به فصلهایی



تقسیم میشود. در کتاب نجات که آن نیز درباره علوم و فلسفه زمان ولی مختصرتر از کتاب شفاء است فصلی درباره موسیقی نظری نوشته که در اغلب نسخی که از این کتاب موجود است فصل مربوط به موسیقی ساقط گردیده ولی خوشبختانه بصورت مستقل و جداگانه موجود است. دلیل آن اینست که ابن سینا در مقدمه کتاب وجود چنین مبحثی را در پایان فصل مربوط به علوم ریاضی ذکر مینماید. ابن سینا بنا بر روایات مختلف و متعدد رساله‌های دیگری درباره موسیقی نوشته که از جمله یکی تحت عنوان «رساله فی الموسیقی» و دیگر «مدخل الی صناعت الموسیقی» است. مثل ارستو که رساله‌ای تحت عنوان De Anema نوشته ابن سینا هم کتابی تحت عنوان «رساله فی النفس» دارد که در آن درباره شنیدن و احساس کردن لحن موسیقی و تأثیر آن بیان میکند.

اخوان الصفا - در نیمه دوم سده دهم میلادی گروهی از دانشمندان و ریاضی‌دانان و ادیبان و حکما در شهر بصره گرد آمدند که هر یک از ایشان از گوشه‌ای از عالم اسلام بودند و نام پنج نفر آنها در کتابهای تاریخ ضبط گردیده که لااقل دو نفر آنها ایرانی بوده‌اند.

افراد این جمعیت میگفتند که چون قوانین مذهبی فاسد شده لازم است در صدد کشف حقائق امور برآیند و برای این منظور باید علم و فلسفه را مبنای تحقیقات خود درباره قواعد و شرایع مذهبی قرار دهند. این جمع در حدود پنجاه و یک و یا پنجاه و دو رساله درباره مسائل مختلف تدوین کردند که تمام مباحث علمی و فلسفی آن روز را شامل میگردد که از جمله یکی هم مبحث موسیقی بود که در رساله مربوط به ریاضی درباره آن بتفصیل صحبت میشود.

چنانکه از نام این انجمن برمیآید رابطه مودت و برادری بین اعضای آن برقرار بود و کوشش ایشان همواره در این راه صرف میشد که معتقدات دینی مردم را در سایه تحقیقات علمی و فلسفی از پلیدیها و زشتیهای که در نتیجه جهل در میان پیروان آئین اسلام رواج یافته بود پاک سازند. دو نفر ایرانی که اشاره شد عبارت بودند از ابوالحسن علی بن هارون النرجانی و ابواحمد

۱ - کلمه مقام که امروزه اغلب در مورد تعبیر فرنگی «گام» و گاهگاه در مورد دستگاه بکار برده میشود در زمان صفی‌الدین عبدالؤمن بهمایه آوازه‌های عمده اطلاق میشد که در زمان ابن سینا آنها را «جماعات المشهوره» مینامیدند و در مورد ابتکارات نو که اغلب در نتیجه نفوذ موسیقی ایران بظهور مییوست اصطلاح فارسی «آواز» و جمع آن یعنی «آوازه» را بکار میبرند.

۲ - دستان کلمه ایست فارسی بمعنی پرده موسیقی یا نغمه و معادل «نت» در اصطلاح اروپائی است.

المهرجانی . فصل مربوط بموسیقی دارای این عنوان است « الكتاب الرابع فی الموسیقا من رسائل اخوان الصفا للعارف المجریطی » . گو که مؤلف این رساله ایرانی نیست ولی چون فعالیت این انجمن در بصره یعنی یکی از مراکز عمده بسط فرهنگ ایران بوده و از طرف دیگر همانطور که اشاره شد رابطه بسیار نزدیکی بین نویسندگان رسائل مزبور وجود داشت محقق است که از فضل و دانش یکدیگر برخوردار میشده اند .

بعضی از رسالات این جمعیت بزبانهای خارجی ترجمه شده و از جمله رساله مربوط به علم ریاضی که شامل موسیقی نیز میشود در سال ۱۸۶۵ بزبان آلمانی درآمده است .

از جمله نکاتی که از رسائل اخوان الصفا درباره موسیقی معلوم میشود استفاده از موسیقی در بیمارستانها برای سبک کردن رنج و درد بیمار است که در شفای بیمار عامل مؤثری محسوب میشده است . چنانکه امروزه هم در بسیاری از بیمارستانهای اروپا و امریکا متداول است .

یکی دیگر از علمای بزرگ ایران که تحقیقات و مطالعاتش در موسیقی مورد استفاده قرار گرفته ریاضی دان مشهور خراسانی ابوالوفا البوزجانی بوده که وی نیز در سده دهم میلادی میزیسته است . ابوالوفا در اوان جوانی به بغداد رفت و یکی از دانشمندان معتبر عصر خود در علوم ریاضی گردید و بنا بر روایات موجود رساله ای بنام « مختصر فی فن الإیقاع » نوشته که متأسفانه در دست نیست . این رساله سالها کتاب درسی محسوب میشده است .

یکی دیگر از دانشمندان بزرگ اسلامی ابوالقاسم الحسین بن علی المغربي است که با وجود اینکه در قاهره بدنیا آمده نسبش را به بهرام گور شاهنشاه ساسانی میرسانند .

این دانشمند مدتی در دربار خلفای فاطمی در مصر بسر میبرد و پس از آن بخسدمت فخر الملك وزیر دانش پرور بهاء الدوله از امرای آل بویه درآمد و در بغداد اقامت گزید . سپس مدتی در ناحیه موصل مقام وزارت داشت و بعد از آن وزیر مشرف الدوله امیر آل بویه گردید . و به این دلیل او را وزیر المغربي نامیده اند .

نقل شده است که این دانشمند نیز کتابی بصورت کتاب اغانی ابوالفرج اصفهانی گرد آورده که فعلاً در دست نیست .

ابوجعفر خواجه نصیرالدین طوسی از مفاخر ایران بشمار می آید و معروفترین دانشمندان عصر خویش بوده است و گو که شهرتش بیشتر به لحاظ تبحرش در علوم ریاضی و نجوم است ولی در موسیقی نیز خدماتی کرده که شایسته توجه و تحقیق میباشد . خواجه نصیر در دربار هلاکوخان مغول مقام علمی رفیعی داشته و در جنگهای این پادشاه همراه وی بوده و ضمن کشورگشائی های وی بجمع آوری کتاب پرداخته و کتابخانه ای ترتیب داده که تعداد مجلدات آنرا بالغ بر چهارصد هزار نسخه نقل کرده اند .

بقایای بنای این کتابخانه که در روی تپه ای در نزدیکی شهر مراغه در مجاورت رصدخانه بنا شده بوده هنوز باقی است .

خواجه نصیرالدین طوسی کتابها و رسالات زیادی از خود بجا گذاشته و از جمله تحقیقاتی که درباره علم ریاضی بعمل آورده رساله ایست تحت عنوان « علم الموسیقی » . اولیاء چلبی در کتاب آلات موسیقی خود ابتکار نای مخصوصی را که « مهتر دودوک » نامیده میشده نیز به خواجه نصیر نسبت داده است . و بزرگترین و معروفترین شاگردش علامه قطب الدین شیرازی مؤلف کتاب « درة التاج » است که چند سال پیش در تهران چاپ شد .

در اینجا این سلسله مقالات که درباره دانشمندان و هنرمندان موسیقی ایران از دوره های پیش از اسلام تا حمله بنیان سوز مغول تهیه شده بیابان میرسد .

قصد ما از تنظیم این مقالات اولاً معرفی عده ای از هنرمندان و نوازندگان بزرگ ایران بوده که متأسفانه بعضی از آنها هنوز در کشور خویش ناشناخته مانده اند .

و از آغاز امر بنا بر این بود که این مطالب طوری تنظیم شود که باشیوه و راه و رسم مجله

هنر و مردم تطبیق کند و برای عامه مردم مفید باشد. ولی باید اذعان کرد که در بیان احوال و آثار این بزرگان در گذشته مسامحه شده و تحقیق کافی و جامع در این مورد بعمل نیامده است و جای بسی تعجب است که نه تنها درباره سازندگان و خوانندگان که اغلب در زمره دانشمندان عصر خود بوده اند و آثاری نیز در موسیقی عملی از خود بجا گذاشته اند تحقیق علمی بعمل نیامده بلکه حکمای بزرگی هم که مجموعه تحقیقات خود را بصورت دائرةالمعارف تنظیم کرده اند مبحث مربوط بعلم موسیقی در آثار آنها اغلب ساقط شده است. در جشن یادبود ابن سینا از رساله های او درباره موسیقی ذکری بعمل نیامد. چندی پیش که بیاد دانشمند بزرگ خواجه نصیرالدین طوسی جشنی برگزار شد درباره اطلاعات و تحقیقات او در موسیقی مطلبی عنوان نشد و امسال هم که در نظر است جشنی بیاد ابوبکر محمد رازی برگزار شود به احتمال قوی به تحقیقات وی درباره موسیقی توجهی نخواهد شد در صورتیکه موسیقی در زمان این دانشمند از لحاظ تأثیری که در تخفیف درد و رنج بیماران داشته مورد علاقه اطباء مشهور و در بیمارستانها معمول بوده و قطعاً مورد توجه دانشمند بزرگی چون زکریای رازی نیز بوده است. شاید گفته شود که چون اغلب نوشته های این بزرگان بزبان عربی است چاپ و انتشار آن در ایران مشکل و بی نتیجه خواهد بود. ولی تعجب در این است که رسالاتی هم که بزبان فارسی در این مورد نوشته شده در کشور ما هنوز ناشناخته مانده و اگر هم چاپ شده درباره آن تحقیق بعمل نیامده است.

ما عموماً بوجود بزرگانی چون اسحق موصلی مینازیم و افتخار میکنیم ولی از تقریباً بیست و نه رساله ای که باو منسوب است اطلاع کافی نداریم و هرگز درصدد ترجمه آثار او به فارسی برنیامده ایم. از نوشته های فارابی و ابن سینا و حتی صفی الدین عبدالؤمن اطلاع جامع و کافی نداریم در صورتیکه کتاب الادوار این دانشمند ایرانی کاملترین کتابی است که درباره موسیقی نظری نوشته شده زیرا عموم علمای بعد از او بنوشته او استناد کرده و بعلاوه چندین شرح درباره این کتاب نوشته شده است.

تمام مطالب مربوط بموسیقی در پانزده فصل در این رساله مورد بحث قرار میگیرد به این شرح: انغام، دساتین، ابعاد، تألیف، آواز، طنبور و سازهای زهی دوسیمی، بریط، لحن های عامیانه، طبقات، اصطحاب، ایقاع، تأثیر موسیقی و عمل موسیقی. در رساله شرفیه صفی الدین مطالبی را که در این رساله ذکر نشده مورد بحث قرار میدهد از جمله: صوت، اجناس، و مواجب. ولی باکمال تأسف این کتابها هیچکدام بفارسی ترجمه نشده که مورد استفاده هنرجویان قرار بگیرد. عجب در اینست که کتابهای بهجت الروح و کزالتحف و فصل مربوط بموسیقی در جامع العلوم و فخر رازی هم که بزبان فارسی است مورد مطالعه و تحقیق قرار نگرفته است.

کتاب بهجت الروح در دوره حکومت غزنویان توسط عبدالؤمن بن صفی الدین که از خاندان نعمت بن قابوس و شمشگیر بوده تدوین شده است. این دانشمند عالیقدر در زمانی این رساله را نوشته که هنر و فرهنگ ایرانی به همت سلاطین غزنوی مثل دوران سلطنت پادشاهان سامانی بمنتهای درجه ترقی و تعالی رسیده قسمی که دربار کلیه امیران و پادشاهان دیگر حکومت وسیع اسلامی را تحت الشعاع قرار داده بوده است و رساله موسیقی عبدالرحمن جامی در روسیه شوروی چاپ شده ولی هنرجویان کشور ما عموماً از وجود آن بی اطلاع اند.

خلاصه اینکه کتاب و رساله برای تحقیقی در مورد موسیقی ایران در دوره های گذشته هم فراوان است و هم مایه افتخار و موجب تقویت بنیان فرهنگی و آراکان ملی ما. هنرهای زیبای کشور همانطور که شیوه مرضیه اوست و در گذشته نیز عمل کرده است باید در تأسیس دارالعلمی برای تحقیق در این قبیل موضوع های مهم همت کند و دانش پژوهان را بتحقیق و تتبع در مباحث مربوط بموسیقی تشویق و ترغیب نماید تا هم اجر زحمات بزرگان گذشته ما در موسیقی شناخته شود و هم مقام علمی و ذوقی و هنری ایشان بر عموم مردم معلوم گردد و نامشان نشانه و معرف خدمات فرهنگی ایشان باشد.

پایان